

نگاه

مام جلال چرا مام جلال شد؟

● **سامان سلیمانی**: روزی که به عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب تاریخ عراق انتخاب شد، خبرنگاری از او پرسید دوست دارید با چه عنوانی شما را خطاب قرار دهیم؟ جواب ایشان همان بود که مردمش با آن، او را می‌شناختند: مام جلال. اما چه چیزی مام جلال را مام جلال کرد. خصوصیتی که مجموعه‌ش را در کمتر رهبر سیاسی می‌توان سراغ گرفت. مام جلال از دوران نوجوانی توانایی‌ها و استعداداش را در فعالیت‌های گروهی و اجتماعی به اظرافاش نشان داد و از ۱۳سالگی به شکلی مداوم مبارزه سیاسی را آغاز کرد. او تنها رهبر سیاسی کردستان عراق بود که بدون پشتوانه خانوادگی و عشیره‌ای توانست رشد کند و قیام نوین ملتش را بنیان نهد. مام جلال علاوه بر فعالیت سیاسی از همان ابتدا، به روزنامه‌نگاری علاقه‌مند بود و با نوشتن در روزنامه «زرگاری» (رستگاری) ارگان پارت‌دموکرات کردستان فعالیت‌های روزنامه‌نگاری خود را آغاز کرد. او که روزنامه‌نگاری شناخته‌شده در سطح عراق و منطقه بود، در دانشگاه حقوق خواند تا حامی حقوق ملتش باشد. در سال‌های متمادی مبارزه و سیاست‌ورزی از نوشتن دست نکشید، علاوه بر اینکه در روزنامه‌های مختلف می‌نوشت، سردیر روزنامه کردستان بود و چندین کتاب ارزشمند نیز از خود به جای گذاشته است. در جایی می‌گوید: «آرزویم این بود که روزنامه‌ای در عراق دموکراتیک منتشر کنم، این بزرگ‌ترین آرزویم بود». در قیام سپتامبر کردهای عراق علیه رژیم فاشیستی صدام حسین که از سال ۱۹۶۱ آغاز شده بود، مام جلال در قامت دیپلماتی کارکشته ظاهر شد که توانست ارتباطات خوبی با رهبران جهان از جمله رهبران مصر و تعدادی از کشورهای اروپایی برقرار کند و همچنین صدای مظلومیت کردها را از طریق رسانه‌های خارجی به گوش جهانیان برساند.

زمانی که در سال ۱۹۷۵ قیام کردها با دسیسه شاه ایران و صدام حسین با شکست مواجه شد و صدام اخباری از فعالیت‌های مام جلال به گوشش رسیده بود، گفته بود: اگر بر سر من درخت خرما نیز سبز شود، جلال طالبانی دیگر نخواهد توانست شش پیشمرگه را در کوه‌ها به دور خود جمع کند. اما مام جلال در همان سال با تأسیس اتحادیه میهنی کردستان فعالیت‌های سیاسی خود را در قالبی جدید پی ریخت و در سال ۱۹۷۶ با شروع مبارزه مسلحانه علیه حکومت بعث، قیام جدید کردها را رقم زد که نقطه عطفی در زندگی سیاسی وی به شمار می‌رود. مبارزه سیاسی و مسلحانه مام جلال علیه حکومت بعث تا سال ۱۹۹۱ ادامه داشت که در این سال با رهبری‌کردن قیام کردها، توانستند مناطق کردستان عراق را از نفوذ حکومت مرکزی خارج و حکومتی خودگردان را در اقلیم کردستان ایجاد کنند.

قبل از سقوط صدام و به شهادت بسیاری از سیاسیون، نقشی مهم در نزدیک‌کردن نیروهای اپوزیسیون عراقی ایفا کرد و توانست اتحادی مثال‌زدنی میان عراقی‌ها ایجاد کند. بعد از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ مام جلال از نیروهای مؤثر در ساخت عراق جدید بود و نهایتاً در سال ۲۰۰۵ به عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب تاریخ عراق برگزیده شد. ایشان در دوره ریاست‌جمهوری خود، عامل ثبات و همزیستی نیروهای مختلف عراقی بود به شکلی که آیت‌الله سیستانی او را عامل ثبات و امنیت عراق می‌دانست. مام جلال در زمان ریاست‌جمهوری خود بنا بر تعهدش به عنوان یک حقوق‌دان مبنی بر مخالفت با حکم اعدام، از امضای حکم صدام حسین سرباز زد. در خاورمیانه‌ای که خشونت و جنگ و انتقام حرف اول و آخر را می‌زند، این اقدام مام جلال در قبال دشمن دیرینه کردها، توسط بسیاری از اندیشمندان و روشنفکران، به عنوان نقطه عطفی مهم در تاریخ این منطقه آشوب‌زده تفسیر شد. مام جلال سیاست‌مداری بود که قبل از سیاست‌ورزی، روزنامه‌نگار بود، حقوق‌دان بود، واقع‌گرا بود و هیچ‌گاه در عرصه سیاست اسپر شعارزدگی نشد، در دوران فعالیت‌های سیاسی‌اش، آشتی و صلح را سرلوحه کار خود قرار داد، به گفته دوستی باریک‌اندیش، مام جلال هیچ‌گاه بدون خنده سیاست‌نورزند، خنده مام جلال که میان سیاسیون شهره بود، ابزاری بود که بسیاری اوقات گرگ‌شای مشکلات می‌شد. لطفیه‌های دست‌اولی که مام جلال در دیدارهای دیپلماتیک تعریف می‌کرد، در بسیاری مواقع گره‌های کور مذاکره و بده‌بستان را باز می‌کرد. اما این خنده، فقط خنده ظاهری نبود، خنده‌ای بود ناشی از اعتمادبنفوس و باور و ایمان به نقش صلح و آشتی و گفت‌وگو در فضایی سرشار از زیبایی. دورانی که او رئیس‌جمهور عراق بود، هیچ بحران و مسئله‌ای نتوانست عراق را با واقع‌بینانه بود. مام جلال در عرصه سیاست در زمین سیاست می‌ورزید و توانست ذهن مردم و سیاسیون را با امر سیاسی آشتی دهد و چشم‌انداز و نگاهی انسان‌محور به سیاست ببخشد، مام جلال ذاتاً سیاست‌ورز بود و از تمامی ابزارها و راه‌های ممکن در زمین بازی سود می‌برد، مام جلال تاریخ معاصر کردها را از آرمان‌خواهی شعاری دور کرد و با اینکه تمام عمرش را صرف مبارزه و تلاش بی‌وقفه کرد، اما هیچ‌گاه حاضر نشد به ملتش وعده‌هایی بدهد که عملی نبودند یا عملی‌کردشان خوشبختی و رفاه ملتش را تأمین نمی‌کرد. عرصه سیاست کردستان و خاورمیانه نیازمند نگاه و سیاست‌مام‌جلالی است، اما باید اذعان کرد که شاید دهه‌ها طول بکشد عرصه سیاست‌مام‌جلالی دیگر به خود ببیند.

politics@sharghdaily.ir

ناظم دباغ: جلال طالبانی نماد مبارزه در کردستان عراق و خاورمیانه بود و صلح؛ نماد گفت‌وگو بود و مصالحه. او عامل برقراری وحدت بین کرد و عرب بود. مام‌جلال همیشه تلاش می‌کرد آزادی و دموکراسی در کردستان عراق برقرار شود. یکی از خواست‌های اصلی او این بود که نان و آزادی را در کنار هم ببیند و معتقد بود که بدون نان، آزادی ممکن نیست. او آزادی‌خواهی بود که با ظلم و ستم و دیکتاتوری مبارزه می‌کرد. طرفدار حقوق بشر بود. وقتی به ریاست‌جمهوری عراق انتخاب و حکم اعدام صدام حسین صادر شد، اجرای حکم نیازمند امضای رئیس‌جمهوری بود ولی او از این کار سر باز زد. او حتی نمی‌خواست شاهد اعدام صدام باشد. طالبانی در همه شرایط در ایجاد توافق و صلح و آرامش در منطقه و کردستان عراق تلاش می‌کرد. به همین دلیل امروز خلا وجودش در

سیاست

مبارز خستگی‌ناپذیر

تحولات اخیر منطقه و عراق بیش از پیش نمایان است. این خلا هم در حوزه سیاسی و هم در حوزه اقتصادی و اجتماعی نمایان است. فوت آقای طالبانی خسارت سنگینی به کردستان عراق وارد کرد. ای کاش کردها و عراقی‌ها خود پیرو راه جلال طالبانی باشند. تا امروز که دیگر مام‌جلال در بین ما نیست همه از سجاای اخلاقی و منش سیاسی او سخن می‌گویند اما بهترین و جامع‌ترین تعریف را از مام‌جلال، آیت‌الله العظمی سیستانی داشته که او را به درجه اطمینان عراق تعبیر کرده است. این سخن آیت‌الله نشان از وضعیت و جایگاه جلال طالبانی دارد. خداوند ایشان را رحمت کند. من از سال ۱۹۶۴ میلادی با او آشنا شدم و دوستی‌مان تا امروز پایدار ماند. در این زمان دراز، هرگز او را بدون امید به آینده و نشاط ندیدم. ما با هم و در کنار یکدیگر روزهای سختی دیده‌ایم و روزهای پیروزی را



جلال طالبانی در کنار سیمون بارلانی، عکس: Getty Images

جلال طالبانی درگذشت

مرگ پیشمرگه همیشگی

صدام حسین فعالیت کرد. درحالی‌که او در کشورهای عربی به فعالیت سیاسی سرگرم بود، صدام و شاه ایران با پادرمیانی وبفلیقه، وزیر خارجه الجزایر، در کنفرانس اوپک توافق کردند. صدام در آن وقت معاون شورشای انقلاب عراق بود و مذاکره‌اش با شاه، منتهی به صدور قرارداد مارس ۱۹۷۵ الجزیره شد. با شکست قیام کردها در سال ۱۹۷۵ مام‌جلال در ۲۲ ماه می با جمعیت گروه‌های چپ‌گرای کرد و ازجمله کومله رنجبران کردستان، اتحادیه میهنی کردستان را تأسیس کرده و در سال ۱۹۷۶ اولین گروه یزیدیکی این حزب برای مبارزه با بعثی‌ها آماده شد. مام جلال نیز در سال ۱۹۷۷ برای رهبری این قیام به کردستان بازمی‌گردد. در میانه تنش‌های تند با حکومت مرکزی در سال ۱۹۸۳ با حکومت عراق گفت‌وگوهایی آغاز می‌شود؛ اما به نظر طالبانی همکاری نکردن کمونیست‌ها و حزب دموکرات کردستان عراق و نفوق صدام در جنگ با ایران در سال ۱۹۸۴ کشتار وگوگوا را به بن‌بست کشاند.

جلال طالبانی و جنگ ایران و عراق

در طول جنگ تحمیلی حزب دموکرات کردستان با ایران متحد شد؛ اما اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد. بعد از همکاری حزب دموکرات کردستان با ایرانیان در سال ۱۹۸۳ برای تصرف شهر حاج عمران، صدام حسین با اتحادیه میهنی کردستان آتش‌بس امضا کرد؛ اما بعد از کشتار کردها در عملیات انفال طالبانی به صف مقاومت

ظریف درگذشت جلال طالبانی را تسلیت گفت

محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، درگذشت مام‌جلال طالبانی، رئیس‌جمهور پیشین عراق را تسلیت گفت. متن این پیام به شرح زیر است:

خبر درگذشت جناب آقای جلال طالبانی، رئیس‌جمهور پیشین و فقید کشور دوست و برادر عراق، موجب تأثر و تألم عمیق این‌جانب شد. ایشان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار، برجسته و خیرخواه عراق بود که عمر خود را در راه آزادی، اعتبار و استقلال ملت و کشورش و همچنین حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی در عراق صرف کرد. فقدان ایشان ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای دو ملت برادر ایران و عراق است. این‌جانب این ضایعه را به دولت و ملت بزرگ عراق از همه اقوام، طوایف و مذاهب تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال، برای آن مرحوم آرامش و مغفرت و برای خانواده ایشان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.

به یاد داریم، ما شاهد فاجعه حلبچه بوده‌ایم و از انفال نالیده‌ایم اما جز امید از او به یاد ندارم. در روزهای سخت هم به آینده امید داشت. امید او به آینده حتی در سخت‌ترین روزها نیز به تاریکی نگریاید. دهه ۸۰ میلادی در کردستان عراق جلسه‌ای بود، یکی از دوستان مبارز با او از ناامیدی گفت و مام‌جلال نوید داد که روزی در عراق رئیس‌جمهوری خواهد شد و چنین هم شد. طالبانی هرگز استقامت را فراموش نمی‌کرد. جلال طالبانی، سیاست‌مداری آینده‌نگر بود و بارها تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها را قبل از حادثه بیان می‌کرد و در نهایت چنین هم می‌شد. اکنون با رفتن طالبانی، کردستان عراق وزنه سنگینی را از دست داده است؛ او مبارزی خستگی‌ناپذیر بود، ولی راه و روش جلال طالبانی همیشه زنده است؛ امید که چنین باشد. خدایش بیامرزد.

و سقوط حزب بعث عراق، جلال طالبانی اولین رئیس‌جمهور عراق شد. او از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ در مقام ریاست‌جمهوری عراق باقی ماند. با وجود اینکه ریاست‌جمهوری در عراق بیشتر نقشی تشریفاتی است، اما بسیاری طالبانی را یکی از عوامل تأمین ثبات در عراق می‌دانستند. ناظم دباغ بارها از آیت‌الله سیستانی نقل کرده که ایشان گفته‌اند: «جلال طالبانی سوپای اطمینان عراق است». گواه این موضوع امضانکردن حکم اعدام صدام حسین است. طالبانی تا آخر هم حاضر نشد حکم اعدام صدام را امضا کند و این‌کار را به معاونان خود واگذار کرد. او مخالفت خود را با اعدام دلیل این کار معرفی کرد، اما برخی بر این نظر هستند که او علاقه‌ای نداشت که با این کار خشم متقابل و شکاف بین کردها و سنی‌ها را تقویت کند. گفتنی است خبر دستگیری صدام را اولین‌بار خبرگزاری «ایرنا» منتشر کرد؛ طالبانی در سفری که به قصرشیرین ایران داشت، هنگام خداحافظی این خبر را به یکی از خبرنگاران خبرگزاری ایلنا گفته بود و از همان خبرگزاری این خبر در جهان پخش شد.

جلال طالبانی وایران

مام جلال در روزهایی که کردها، با رفراندوم استقلال به دل‌مشغولی بزرگ همسایگان تبدیل شده‌اند، در ۸۴سالگی جهان هستی را وداع گفت. جلال طالبانی، اولین رئیس‌جمهوری غیرعرب و کرد عراق بود، مردی اهل مدارا و مذاکره که بین اغلب سیاست‌مداران منطقه جایگاه بالایی داشت. جلال طالبانی که در ایران و به مقامات جمهوری اسلامی ایران، از جایگاه خوبی برخوردار بود، تیرماه گذشته برای اقامتی کوتاه به تهران سفر کرد. سفری که بعد از سال‌های کما و خفامت جسمی‌اش انجام شد. در تهران لاری لاریجانی و خاتمه‌تعلق داشت. او حمله صدام به کردستان و کوچ کردها به سوی ترکیه و ایران، طالبانی دامنه فعالیت‌های دیپلماتیک خود را گسترده‌تر کرد و بیش‌ازپیش به آمریکاییان و تورگوت اوزال نزدیک شد. با جنگ‌های داخلی بین اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق که از سال ۱۹۹۴ شروع شدند، موقعیت و جایگاه طالبانی میان کردها و نیز ائتلاف بین‌المللی تضعیف شد. فقط زمانی که با وساطت آمریکا و انگلستان بین این دو حزب توافقی حاصل شد، زمینه برای ترمیم وجهه رهبران دو حزب و از جمله طالبانی مهیا شد. بعد از حمله «بوش پسر» به عراق در سال ۲۰۰۳

دوست خوب ایران

جلال جلالی‌زاده

۲۰۰۳ به‌عنوان یکی از اعضای شورای عراق انتخاب شد و در سال ۲۰۰۵ برای اولین‌بار به‌عنوان یک کرد، رئیس‌جمهور عراق شد. ایشان در آن زمان تلاش کرد بین اقوام عراق وحدت به‌وجود آورد و مورد حمایت ایران و سوریه نیز نبود. او همچنین رابطه خوبی با مراجع شیعه داشت. طالبانی به‌خاطر شخصیت و اخلاق خاص خود و حاضرجوابی‌ای که داشت در جلسات مختلف نظر و دیدگاه دیگران را به خود جلب می‌کرد و می‌توانست این دیدگاه‌ها را به هم نزدیک و مشکلات داخلی و خارجی عراق را حل کند. همین باعث شده بود که او در میان سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها نیز از جایگاه خوبی برخوردار باشد. او همچنین از دوستان خوب جمهوری اسلامی ایران بود و تلاش کرد رابطه ایران با عراق و کردها را بهبود بخشد.

ادامه از صفحه ۷

عرفان حسینی؛ قیام حسینی

به رفتن اصرار داشتند. نتیجه به ادامه راه ختم شد؛ اما اوضاع کوفه اصلا مناسب نبود؛ شهری که عادت داشت با شورش و دسیسه بکند یا تطمیع شود و سکوت و همراهی بکند و فرهنگی استبدادی داشت (سیکل معیوب استبداد؛ هرچومرج) و مدل‌های حکومتی از نوع زیاد، این‌یاد و حجاج در آن بازتولید می‌شد. یک جامعه غیرقابل‌پیش‌بینی که رفتارها با سیستم عطایا قیض‌بسط می‌شدند و در چرخه‌ای از رادیکالیسم و استبداد قرار داشت؛ شهری که فردی چه خوب آن را قضاوقدری نماید. فرزددق در راه به حسین‌بن‌علی (ع) رسید و گفت دل‌های آنها با توست، شمشیرباشد ضد توست و قضا در آسمان!؛ در چنین شرایط اجتماعی اتومیکی بود که تیپ‌های شخصیتی‌ای مثل عمرسعد، شمر، محمد بن‌الشعث و قحقاع بن‌سوند بازتولید می‌شدند و دستکاه استبدادی و حامی‌پروری را سرپا نگه می‌داشتند. این تیپ‌های شخصیتی در پس‌زمینه‌ای قبیله‌ای، هر یک با خود مشربی چندهزاری داشتند. پشت سر هر شیخ قبیله‌ای، چند هزار از آن قبیله بسیج می‌شدند سیاه در برابر چند ده نفر انسان حق‌طلب در آستین داشت. امام قدری مانده به کوفه، با حر و نیروهایش مواجه شد. در مذاکرات می‌گوید این‌س مواضع من است، آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و یا باطل نهی نمی‌شود. در چنین شرایطی مؤمنان باید به حقیقت در لقای پروردگارشان رغبت کنند؛ اما حال که فرستندگان نامه پشیمان شده‌اند، پس بگذارید به مدینه برگردم یا در این زمین پنهان راهی دیگر پیش بگیرم تا ببینیم امر مردم به چه سویی می‌رود. ولی حر تحت فشار این‌زاد مجبور بود اجازه بازگشت به حضرته ندهد و او را تحت کنترل نگه دارد. اباعبدالله گروه خود را مرتب از راه کوفه به سمت دیگری می‌کشید؛ ولی کنترلش می‌کردند تا به کربلا رسیدند. این‌زاد می‌خواست با پذیرش بازگشت حسین‌بن‌علی(ع)، این‌ مشکل فیصله پیدا کند. داستان هولناکی است. حسین در منطقه دوحسم گفت: در دنیا شما قضیتل‌ها فراموش شده و جز چک‌های ناچیز نمانده است یا چیزی درحد یک چراگاه تباه‌شده و سرزمین سوخته. چنین بود که او مرگ را جز سعادت و زندگی با دستگاران را جز جنگ و عار نمی‌بیند. بار دیگر در شب عاشورا که تمام مذاکرات نیز به بن‌بست رسیده بود، گفت آنها که بدهی دارند بروند، اما همراهان وفادار و بلاچویان دشت نینوایی و شهیدان عاشق با رشادت تمام ایستادند. ۲۲ هزار نفر در برابر ۸۸ انسان ارزش‌گرا. حسین به ابتذل شرارت لمبنی در چنان جامع‌های، کاملاً آگاه بود، فریاد کشید: وای بر شما ای بیرون شیطان! اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید، پس در دنیای خوش آزاده باشید، اما دستکم برگردید به سنت‌های انساب خویش. اگر آن چنان‌که گمان می‌برید، عرب هستی، که هستم من در برابر شما ایستاده‌ام؛ پس این سفهای ابله و نادان خود را از تعرض به زنان و فرزندان بازدارید. «مظلوم حسین میدان داک قالبودن»، این از جمله تلخ و غمبار و نوحه‌ای ترکی است که صمد بهرنگی در پایان یکی از کتاب‌هایش که جزء کتب ممنوعه دوران نوجوانی من بود، به صورت دست‌خط آورده بود. تأثیری که این جمله بر ذهن و روح من دانش‌آموز آن سال‌ها گذاشت، به اندازه تمام غم‌های عالم، همچنان سنکین در دلم باقی است. حسین تنها مانده بود. می‌گفت ای مسلم، ای هانی، ای حبیب، ای زهیرا به‌پاخیزید از خواب خویش ای بزرگواران. همچنان ایستادگی کرد؛ کرد برای فرزندنام آدم نوشته شده است؛ همچون گردنبدی برگردن دوشیزه جوان. مرگ از تحمل ننگ بهتر است. مرگ باشراف بهتر است از حیات همراه با خواری؛ نه به خدا، دست بیعت نمی‌دهم همچون انسان‌های پست و حقیر و فرار نمی‌کنم چون گریختن بردگان؛ یا اقراری از سر بردگی نمی‌کنم. هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خواست خدا. آگاه باشید که این فرومایه پسر فرومایه من را میان دو چیز قرار داد؛ ذلت و شمشیر؛ اما دور است از ما ذلت. خدا این را از ما نمی‌خواهد و دامن‌های پاکیزه‌ای که ما را بی‌وروش داده‌اند. خدایا پناه مطمئن من در هر غم و اندوه تویی و امید من در هر سختی تویی. خدایا مکان وجودی تو متعالی است، جبروت تو عظیم است. رحمت تو نزدیک است. وعده تو درست است. نعمت‌های تو فراوان است. آزمایش تو زیباست. نزدیک هستی وقتی نیایش می‌شوی. به خواست تو صبوری می‌کنم؛ ای مایای دادخواهان. اینچنین حسین شایسته تکرار است.

❖منابع در دفتر روزنامه موجود است

خرید ارزان ترین بلیط هواپیما

آگالایح خرید کنید

ارزانترین بلیط خارجی [کلید مقاصد]

ارزانترین بلیط داخلی[سیستم و چارتری]

صدور بیمه مسافرتی

www.greenway24.com

88106868

پشتیبانی: 0919-1001253

تیمار خیابان میرزا شیرازی، پلاک ۳۳۹